

شاخص‌های تربیت متعالی، برگرفته از آیات و روایات اسلامی^۱

علی نقی فقیهی

دانشیار، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران. an-faghihi@qom.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی معیارهای تربیت متعالی برگرفته از آیات و روایات اسلامی است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های اسنادی و کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مفاهیم و ادبیات بکار گرفته شده در آموزه‌های تربیتی قرآن کریم و روایات اهل‌بیت(ع) در حوزه تربیت و هدایت، و تعبیر مرتبط پرداخته و ویژگی‌های تربیت متعالی را تبیین کرده است. نتایج حاکی از آن است که تربیت متعالی، تربیتی است که مبتنی بر فطرت الهی، بستر رشدی و کمالی‌متربی را فراهم می‌سازد و نیل به مراتب خلافت‌اللهمی خدای متعال را برای انسان تسهیل می‌کند. تربیت متعالی در آیات و روایات، با واژه‌های تربیتی تزکیه و تعلیم، هدایت، رشد، ادب و تربیت، توصیف و تبیین شده است. با توجه به این مفاهیم، تربیت آن هنگام متعالی است که خاستگاه فطرت داشته باشد، و از ویژگی‌هایی چون سیر رشدی، کرامت‌آفرینی، همه‌جانبه بودن نسبت به همه ساحت‌های انسانی، حفظ و ارتقای سلامت روانی، هدایت به صراط مستقیم و بدون انحراف، و منتهی به سعادت ابدی، برخوردار باشد.

کلیدواژه‌ها: تربیت متعالی، رشد، تزکیه، هدایت، تعلیم و تربیت، ادب.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

۱. مقدمه

برای شناخت تربیت متعالی از منظر اسلامی باید جامعیت دین در زمینه تربیت همه‌جانبه افراد و گروه‌های شایسته انسانی و حتی تربیت جوامع بشری با توجه به رسالت جهانی آن، مورد توجه قرار گیرد. چراکه کتاب تربیتی قرآن «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹) و «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام، ۵۹) است، و تربیت همگانی و مربوط به همه عرصه‌های زندگی بشر را در برمی‌گیرد. در جهانی که آشفته‌گی‌های فکری و فرهنگی جامعه بشری را احاطه کرده و نظام‌های تربیتی مکتب‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف نتوانسته‌اند به ارزش‌های مطلوب و تربیت‌های صحیح سازمان‌یافته دست یابند و صرفاً مطالبی کلی و مبهم و بدون پشتوانه علمی و دینی مطرح کرده‌اند و به اختلافات بشر، به صورت گسترده، دامن زده‌اند، ضرورت دارد به نظام تربیتی اسلام پرداخته شود که مبتنی بر قوانین ثابت آفرینش و نظام احسن و فطرت بشری بنا شده است و در مقاطعی از تاریخ، تمدن‌ساز هم بوده است و توانسته بین عقل و عاطفه، روح و جسم، آخرت و دنیا، فکر و عمل و ارتباط‌های چهارگانه فرد با خدا، خود، جامعه و جهان آفرینش، پیوندی نظام‌مند و پایدار ایجاد کند.

اسلام دارای نظریه جامع تربیتی است و برای تربیت متعالی انسان با توجه به فطرت تکوینی وی از یک‌سو، و اهداف کمالی-تربیتی هماهنگ با غایت خلقت، از سوی دیگر، محتوای نظام تربیتی منسجمی را از مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها، برنامه‌ریزی کرده است. در نگرش اسلامی، انسان به گونه‌ای آفریده شده است که به صورت طبیعی توانمندی‌های شناختی و عاطفی و عملکردی برخوردار بوده که در فرایند تربیت به سمت سعادت، باید به فعلیت برسد.

از منظر دینی همه توانمندی‌های لازم برای تربیت و رشد، در وجودش تعبیه گردیده است. این توانمندی‌ها به اندازه کفایت در وجود هر یک از آدمیان خلق شده است تا در زندگی و فرایند پرورش و تحول به سوی سعادت از آنها بهره‌مند گردند. امام سجّاد(ع) در دعای ۵۰ صحیفه سجّادیه به توانمندی‌های تکوینی و همه‌جانبه آدمی به قدر کفایت اشاره کرده که برای رفع نیازها و رشد تربیتی آنها، خداوند در وجودشان خلق کرده است^۱ و آن را صنعت‌های کریمانه و شرافتمندانه و با ارزش بی‌شماری دانسته که خداوند در آفرینش آدمی بکار گرفته است.^۲ در این تحقیق با بررسی ادبیات آیات و روایات

۱. «وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكَفَايَةَ».

۲. «... وَ كَم مِّنْ صَنِيعَةٍ كَرِيمَةٍ لَّكَ عِنْدِي».

اسلامی در زمینه تربیت، و تحقیق در واژه‌های گوناگون مشیر به شاخص‌های تربیت اسلامی، به معرفی چستی تربیت متعالی و ویژگی‌های آن در نظام تربیتی اسلام، پرداخته می‌شود.

۲. مفاهیم پژوهش

۱-۲. تربیت

«تربیت» در زبان فارسی به معنای پروراندن، پرورش دادن و یاد دادن ادب و اخلاق (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۵۵۰) است. در زبان عربی، واژه «التربیه» از ریشه «رَبَوَ» و به معنای زیادت، فزونی و رشد بوده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۵۷) و با ریشه «رَبَب» هم در ارتباط است (ابن فارس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۸۳) و به معنای مالکیت، اصلاح و تدبیر و پرورش تدریجی در حدّ کمال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶) و حفظ و مراعات و سرپرستی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱) آمده است. بنابراین، پرورش رشدی و سوق دادن شیء به سوی کمال و رفع موانع (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۲) با اتمام و تدبیر متناسب و به مقتضای شرایط خاص تربیت است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۹). این پرورش دادن به مفهوم فراهم کردن زمینه رشد استعدادهای آدمی (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۳)، در جهت کمال مطلوب است (فایضی و آشتیانی، ۱۳۷۷، ص ۳۲). از این‌رو، تربیت متعالی، تنها در مورد انسان کاربرد دارد و آن به مفهوم شکوفائی استعدادهای فطری افراد در جهت اهداف معین است. در تربیت، باید رشد و تحول‌آفرینی باشد و زمینه‌های شایسته و ارتقای روحی سوق‌دهنده به سوی اهداف متعالی را در افراد پرورش داده و فراهم سازد تا در اوج آن، در حد توان، به صفات و کمالات الهی متّصف شوند (فقیهی، ۱۳۹۶، ص ۱۴). امام خمینی اساس عالم را بر تربیت انسان استوار می‌بیند و معتقد است انبیاء آمده‌اند تا انسان یک موجود الهی بشود و تمام صفات حق تعالی در او جلوه نماید (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۵۳).

۲-۲. متعالی

متعالی از علو به مفهوم بلندی و ارتفاع^۱ (ابن فارس، ۱۴۱۰ق، ذیل علو)، برتری و رفعت شأن (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۶) و به معنی رفیع‌المقام، رشد عالی (همان، ص ۳۹)، برجسته، بالا رفته، برترین و عالی‌ترین (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۸۴) درجات بالا در برابر درجات پایین (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۰) است. تربیت متعالی تربیتی است که درجات رشد

۱. «علو» اصل واحد، یدلّ علی السمو والارتفاع.

را در مسیر کمال و نیل به مراتب خلافت الهی خدای متعال (بقره، ۳۰) می‌پیماید و به قرب عالی‌ترین مرتبه وجودی، یعنی خداوند متعال می‌رسد. به خداوند گفته می‌شود: «هُوَ الْعَلِيُّ الْعَلِيُّ»، یعنی «اوست خداوند بلند مرتبه که برتر از او نیست» (سیاح، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۰۲). بر این اساس تربیت متعالی، اوج پرورش و رشد بایسته و ممکن در مسیر قرب الی‌الله، در هر مرحله از فرایند تربیت است، و در هر مرحله پیشروی و تکامل نسبت به مرحله پیشین وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۸۱۶). در قرآن هرجا کلمه‌ای از ریشه «علو» مطرح شده، آن را با درجات همراه نموده است مانند: «لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (طه، ۷۵)» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۵۵).

بخشیان (۱۳۹۳)، در کتاب «تعالی معنوی انسان در قرآن» می‌نویسد: واژه تعالی هم از جمله کلمات هم‌خانواده «تعالی» و «علو» بوده که به مفهوم شرافت و بلندی مقام در مقابل پستی است. امام حسین (ع) در حدیثی از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند: خدای متعال کارهای بزرگ و امور رفیع و شریف را دوست داشته و از چیزهای پست و پایین بدش می‌آید.^۱

۳-۲. شاخص

شاخص از ریشه «شخص» و برای دیدن دقیق و کامل چیزی استفاده می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۰). شاخص علامت و نشان برجسته است (طباطبایی، ۱۳۵۴، ص ۳۳۶) و از آن به نمودار هم تعبیر می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه شاخص؛ عمید، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۵۱۴). در روایات متعدد، شاخص به مفهوم علامت بکار رفته است و حتی شاخص‌های مشترکی برای تربیت ایمانی^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱۳) و تربیت عقلی^۳ (همان، ج ۷۷، ص ۶۴، ح ۵) تبیین شده است. همچنین تدبیرات تربیتی شایسته، از علامت‌های عقل پرورش‌یافته^۴ (همان، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۱۴) و نمود عقلا نیت^۵ (همان، ص ۳۱۴، ح ۴۰) دانسته شده است. حضرت علی (ع) نمونه و شاخص مربی اسلام، به عنوان علم هدایت به حق اعلام گردیده^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۱۲۷، ح ۸) و رسول خدا (ص)، وی را به صورت

۱. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ مَعَالَى الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيُكْرَهُ سَفْسَافَهَا».

۲. «لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ: مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ، أَوْ خَطْوَةٌ لِمَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مَحْرَمٍ».

۳. «لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ: مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ، أَوْ خَطْوَةٌ لِمَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مَحْرَمٍ».

۴. «وَأَظْهَرَ فِي الْعُقُولِ بِمَا يُرَى فِي خَلْقِهِ مِنْ عِلْمَاتِ التَّدْبِيرِ».

۵. «أَظْهَرَ لِلْعُقُولِ بِمَا أَرَانَا مِنْ عِلْمَاتِ التَّدْبِيرِ».

۶. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ عَلِيًّا عِلْمًا».

مطلق، دائر مدار حق معرفی نموده است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۸، ص ۲۹). فقط در کتاب «بحار الانوار» حدود دویست روایت با واژه علامت و مشتقات آن، در زمینه تربیت معرفی^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۸۹، ح ۱۱)، عقلائی^۳ (همان، ج ۷۷، ص ۱۷۶، ح ۳)، دینی^۴ (همان، ج ۶۹، ص ۳۶۴، ح ۱)، ایمانی^۵ (همان، ج ۳۹، ص ۲۰۷، ح ۲۵)، تقوائی^۶ (همان، ج ۶۷، ص ۲۹۰، ح ۱۲)، اخلاقی^۷ (همان، ج ۲۶، ص ۲۸۷، ح ۴۷) آمده است.

با توجه به بیان فوق، منظور ما از شاخص‌های تربیت متعالی، معیارها و ویژگی‌های برجسته‌ای است که نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از غیر آن، متمایز می‌سازد، و در تمام فرایند تربیت، نحوه شکوفاسازی درست توانمندی‌های خدادادی و اکتسابی را در جهت اهداف متعالی انسانی نشان می‌دهد. منظور از معیار عبارت است از: شاخص‌هایی که نحوه شکوفاسازی درست توانمندی‌های خدادادی و اکتسابی را در جهت اهداف متعالی انسانی نشان می‌دهد. این شاخص‌ها در آموزه‌های قرآنی و روایی مطرح شده و از چگونگی تربیت مطلوب مورد نظر اسلام حکایت می‌کنند. برخی از این معیارها انتخاب واژه‌هایی مانند تزکیه، ادب، هدایت رشدی، در زمینه تربیت است، که شاخص‌های لازم برای تربیت به وسیله آنها تبیین شده است. همچنین متّصف شدن این واژه‌ها و یا تعبیر تعلیم و تربیت، به اوصافی که از ویژگی‌های بارز در فرایند تربیتی حکایت دارد.

۳. روش تحقیق

مسأله مورد بررسی در پژوهش حاضر چیرستی تربیت متعالی در ادبیات تربیتی قرآن و روایات اهل بیت (ع) است. این پژوهش، از نوع کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. تحقیق کیفی^۸ جمع‌آوری داده‌ها از منابع دسته اول متنی، یا صوتی، یا تصویری و مانند آن است که با

۱. «عَلَيْهِ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَلَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲. «ان لاهل الدين علامات يعرفون بها، صدق الحديث و...».

۳. «من علامات العقل التجافي عن دار الغرور...».

۴. «ان لاهل الدين علامات يعرفون بها، صدق الحديث و...».

۵. «والمؤمنين بعلاماتهم...».

۶. «ان لاهل التقوى علامات...».

۷. «اوضحت علاماته و دلائل صدقه...».

روش مطالعه کتابخانه‌ای، مشاهده، مصاحبه و فعالیت‌های پژوهشی دیگر به بررسی و تحلیل محتوا (دلور، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹) و مضمون^۱ متون، آموزه‌ها، کیفیت روابط، فعالیت‌ها، موقعیت‌ها یا دیگر موارد می‌پردازد (Braun, Clarke & Terry, 2021). از سوی دیگر، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های اسنادی و کیفی^۲ بوده که ماهیتاً تفسیری و تبیینی است. در این پژوهش، با بررسی مفاهیم و ادبیات بکار گرفته شده در آموزه‌های تربیتی قرآن کریم و روایات اهل‌بیت(ع)، در حوزه تربیت و هدایت، و تعبیر مرتبط، به توصیف آنها پرداخته و ویژگی‌های تربیت متعالی تبیین می‌گردد.

۴. کلیدواژه‌های تربیتی در قرآن و روایات

قرآن کتاب تربیت و هدایت به رشد^۳ (جن، ۲۱) است. آموزه‌های معصومان(ع)، با هدف پرورش افراد انسانی برای نیل به سعادت، پرورش مناسبات فرد با خدا، خویش، انسان‌ها، و دیگر موجودات جهان هستی، ارائه شده است (فقیهی و شکوهی یکتا، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸). تعبیر گوناگونی از تربیت، در قرآن و روایات اسلامی وجود دارد که از طریق بررسی و توصیف آنها می‌توان از هر کدام، وصف یا اوصافی از تربیت مورد نظر قرآن و روایات را کشف و به تبیین ویژگی‌های تربیت متعالی از منظر اسلامی دست یافت. در ادامه به تبیین تعدادی از کلیدواژه‌های تربیتی که در آیات و روایات زیاد مطرح شده‌اند، و از ادبیات و فرهنگ تربیتی در متون قرآنی و روایی حکایت دارند، پرداخته می‌شود:

۱-۴. تزکیه و تعلیم

تزکیه و تعلیم پرمعناترین تعبیر از تربیت اسلامی است (سیامک دستجردی، ۱۳۸۸، ص ۲) و در قرآن به عنوان هدف بزرگ انبیای الهی در چهار آیه (بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲) آمده است. همچنین، این واژه با مشتقات گوناگونش، در ۲۱ مورد دیگر بکار رفته است. اصل واژه تزکیه به

1. Thematic analysis

2. Qualitative research

۳. «قُرْآنًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ».

۴. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ».

۵. «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ...».

۶. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».

۷. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».

معنای نمو و رشد دادن بوده (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۱۸۹) و به معنی تطهیر و پاک کردن نیز آمده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۳۵۲). چراکه پاک‌سازی از آلودگی‌ها سبب رشد و نمو است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۴۷) و برخی، مفاهیم رشد، افزایش و اصلاح را از لوازم و آثار تزکیه دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۳۸). رشد و تعالی که به تعبیر قرآن به فلاح و رستگاری انسان منتهی می‌شود^۱ (شمس، ۹-۱۰) و بر اساس فرموده امام باقر(ع) و امام صادق(ع) کلیت تزکیه، در تفسیر آیه فلاح، اطاعت از خدا و عدم عصیان الهی است که مسأله اصلی زندگی انسان محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۴۷-۴۸).

۲-۴. هدایت

از واژه‌هایی که به مفهوم تربیت زیاد استعمال شده است، واژه هدایت است. در قرآن واژه هدی و مشتقات آن ۳۱۶ بار آمده است. اصولاً قرآن کتاب هدایت بشر به صراط مستقیم^۲ (فاتحه، ۶)، یعنی هدایت و راهنمایی به راه روشن است که هیچ انحرافی ندارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۴). هدایتی که دارای نشانه‌های روشن با آن است و میان حق و باطل را متمایز می‌سازد «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ» (بقره، ۱۸۵)، و هدایتی خاص نسبت به کسانی دارد که به هدایت مطلوب خدا ایمان و باور دارند^۳ (بقره، ۹۷) و خود را در وقایه و مصونیت از انحرافات اعتقادی و عملی قرار داده‌اند^۴ (بقره، ۲). هدایت مبتنی بر ایمان، مثمرتر خواهد بود^۵ (تغابن، ۱۱) و مراتب هدایت را تا به سر منزل مقصود موجب می‌شود^۶ (کهف، ۱۳). این هدایت باعث می‌شود که مهتدی، در مسیر هدایت درست، ثابت قدم بماند^۷ (نحل، ۱۰۲) و به راه‌های گوناگون الهی در سیر به سعادت، دست یابد و جز نیک عمل نکند^۸ (عنکبوت، ۶۹).

۱. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا».

۲. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

۳. «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ».

۴. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ».

۵. «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ».

۶. «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى».

۷. «نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُبَيِّنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ».

۸. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».

در روایات نیز هدایت الهی، به بهترین هدایت‌ها توصیف شده است^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۳۵). همانطور که هدایت پیامبر اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) برترین هدایت^۲ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۱۰) و چراغ راه مهتدی^۳ (همان، خطبه ۹۴) و هدایت درست بهترین ذخیره^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۷)، عامل ازدیاد بصیرت^۵ (همان، ص ۲۹۶)، عامل نجات از مهالک^۶ (حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۳)، اقامه‌کننده سنت شناخته شده پیامبر (ص) و از میان برداشتن بدعت‌های جاهلان^۷ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۶۴) است.

در روایات، هدایت قرآن، هدایتی معرفی شده که گمراهی در آن نیست^۸ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶). همچنین ارزش و سودمندی هدایت برای مربی و هدایت‌کننده، بهتر از داشتن همه دارایی‌های مادی جهان دانسته شده که آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند^۹ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸) و کسی که پذیرای هدایت‌های خدا باشد، خداوند او را به راه درست می‌رساند^{۱۰} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹۵). هدایتی نجات‌بخش است که با راهنمایی خواستن و دانش‌طلبی^{۱۱} (همان، ص ۵۷۵-۵۷۷) و بر اساس دین^{۱۲} (همان، ص ۷۳۵) و مبتنی بر ایمان خالص^{۱۳} (همان، ص ۵۴۰) و با تکیه بر پروردگار^{۱۴}

۱. «هُدَى اللَّهِ أَحْسَنَ الْهُدَى».

۲. «وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهُدَى، وَاسْتَشُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ».

۳. امام علی (ع) فی وصف النبی (ص) «فَهُوَ إِمَامٌ مِّنَ اتَّقَى، وَبَصِيرَةٌ مِّنَ اهْتَدَى» و در وصف ائمه (ع) «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمَاءِ، وَتَسَنَّمْتُمْ ذُرْوَةَ الْعُلْيَاءِ».

۴. «أَفْضَلُ الذُّخْرِ الْهُدَى».

۵. «بِالْهُدَى يَكْتُرُ الْاِسْتِصْصَاؤُ».

۶. «رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَ (عَبْدًا) سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى، وَدُعِيَ إِلَى رِشَادٍ فَدَنَا، وَأَخَذَ بِحُجْرَةِ هَادٍ فَنَجَا».

۷. «فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ، هُدًى وَهَدًى، فَأَقَامَ سُنَّةً مَعْلُومَةً، وَأَمَاتَ بِدَعَاةٍ مَجْهُولَةً».

۸. «وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُعْتَسُ، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ».

۹. «يَا عَلِيُّ، لَا تُفَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَإِيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ».

۱۰. «مَنْ اهْتَدَى بِهُدَى اللَّهِ أَرشَدَهُ».

۱۱. «مَنْ اسْتَرشَدَ عَلِيمٌ، مَنِ عَلِمَ اهْتَدَى، مَنِ اهْتَدَى نَجَا».

۱۲. «هُدًى مَنِ تَجَلَّبَبَ حِلَابَ الدِّينِ».

۱۳. «هُدًى مَنِ أَخْلَصَ إِيمَانَهُ».

۱۴. «مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هُدًى».

(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۹۹) و مشاوره^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵) و صبر و یقین همراه باشد^۲ (همان، ص ۷۳۵). در روایات موانعی نیز برای هدایت واقعی مطرح شده است، مانند: غلبه هوای نفسانی^۳ (همان، ص ۵۱۸)، فرار از راه حق و کوری جهالت^۴ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۷۰). توصیفاتی که از هدایت در قرآن و متون روایی فوق ارائه شد، حکایت از آن دارد که هدایت روشن‌سازی مسیر تربیت و رشد آدمی براساس آموزه‌های پروردگار و اولیای الهی است که گمراهی، انحراف، هلاکت، عدم شفافیت، جهالت و نادانی و ضد حق ندارد و باعث رسیدن به مراتب سعادت انسانی که هدف آفرینش است، می‌گردد.

۳-۴. رشد

از واژه‌هایی که در قرآن و روایات، تربیت متّصف به آن است، رشد و هدایت رشدی است. رشد، در زبان فارسی به معنی نمو کردن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۰۶۴۲) و در زبان عربی رشد بر راستی راه دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۹۸). این واژه به مفهوم رسیدن به حقیقت امر (مجمع اللغة العربیه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۲)، هدایت یافتن به خیر و صلاح (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۳۹) و در مقابل واژه «غی» بوده و «غی» در اصل به معنای فرو رفتن در جهل است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۷).

در روانشناسی و علوم تربیتی، رشد عبارت است از یک سلسله تغییرات جسمی و روانی که از طریق این تغییرات، فرد پیوسته در حالت تعادل جسمانی و روانی باقی بماند و به کمال برسد (هاشمیان، ۱۳۸۴، ص ۲۹). همچنین رشد، به تغییراتی توصیف شده که با پیشرفت و ترقی همراه بوده و هدف مشخصی دارد، این تغییرات به طور منظم در طرح منظم و معینی صورت می‌گیرد و فرد را برای روبه‌رو شدن با محیط یا موقعیت جدید قادر می‌سازند (شریعتمداری، ۱۳۷۵، ص ۸۴). در قرآن کریم کلمه رشد و مشتقات آن، ۱۹ بار آمده و در مورد راه درست با هدفی متعالی^۵ (غافر، ۲۹) و مقابل مسیر ضلالت^۶ (بقره، ۲۵۶)،

۱. «الاستِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ».

۲. «هُدًى مِّنْ أَدْرَعِ لِيَاسِ الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ».

۳. «كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْهُدَى مَن يَعْلِبُهُ الْهُوَى».

۴. «فَكَفَى لَهُمْ غَيًّا، وَلَكْ مِنْهُمُ شَافِيَا، فِرَاؤُهُم مِّنَ الْهُدَى وَالْحَقِّ، وَإِضَاعُهُمْ. حَدِيثٌ إِلَى الْعَمَى وَالْجَهْلِ».

۵. «وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ».

۶. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ».

تعالی روحی در مسیر هدایت و تربیت^۱ (بقره، ۱۸۶)، وصف انسان تربیت شده^۲ (حجرات، ۷)، توان بازشناسی راه رشد از غی^۳ (انبیاء، ۵۱) و مانند آن به کار رفته است.

اصولاً قرآن کتاب تربیت رشدی است^۴ (جن، ۲) و هدایت رشدی را از راه انحرافی بازشناسی می‌نماید^۵ (بقره، ۲۵۶)؛ رشدی که مسیر بهشت و سعادت قرب را هموار می‌سازد^۶ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۶۱، قسمت ۵). نقش تربیتی انبیای الهی و از جمله پیامبر اسلام (ص) نیز تربیت رشدی است. امیرالمؤمنین علی (ع) درباره رسول الله (ص) می‌فرماید: «وَهَدَىٰ إِلَى الرُّشْدِ» (همان، خطبه ۱۹۵، قسمت ۳)، «سُنَّتُهُ الرُّشْدُ» (همان، خطبه ۹۴، قسمت ۷). امام علی (ع) در تربیت فرزندش مسیر تربیت رشدی را برای او آرزو می‌کند و می‌فرماید: «وَرَجَوْتُ أَنْ يُوفِّقَكَ اللَّهُ فِيهِ لِرُّشْدِكَ» (همان، نامه ۳۱، قسمت ۳۱). بر این اساس، از دیدگاه اسلامی تربیت باید مَتَّصِف به رشد باشد. رشدی که مورد نظر قرآن و اهل بیت (ع) است، رشد همه‌جانبه روانی که مسیر زندگی را به سعادت سوق می‌دهد. پس، در تربیت متعالی برای همه مراحل رشد، برنامه‌ریزی حساب شده و منسجمی وجود دارد تا به خوشبختی همیشگی منتهی گردد. کاربرد واژه رشد در متون روایی حکایت از آن دارد که رشد، پرورش و هدایت رشدی است که استعدادها را متربی، به صورت همه‌جانبه است، بارور می‌شود و هدایت ارتقائی را در جهت آرمان‌های سعادت‌مندان و تسهیل می‌کند.

۳-۴-۱. زمینه‌های تربیت رشدی

کاربرد واژه رشد در آیات و روایات حاکی از آن است که آنچه بستر را برای هدایت و تربیت رشدی فراهم می‌سازد، عبارتند از:

الف) متربی باید علم جامع و فراگیر پیدا کند تا تصویر روشن و کاملی از همه زوایای مسیر هدایتی داشته باشد و از دانش تمایز راه رشد از غی، نیز برخوردار باشد. در فرایند گفتگوی خضر و موسی (ع) معلومات رشدی که حضرت موسی (ع) از خضر مطالبه می‌کند^۷ (کهف، ۶۶)، خضر آن را منوط به

۱. «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ».

۲. «أُولَئِكَ هُمُ الرَّاكِدُونَ».

۳. «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ».

۴. «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ».

۵. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ».

۶. «وَأَسْرَضْنَاهُ السَّبِيلَ الْمُوَدَّيَّةَ إِلَى جَنَّتِهِ الْقَاصِدَةَ إِلَى مَحَلِّ رَغْبَتِهِ».

۷. «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَنْ تَعْلَمَنَ مِنَّمَا عُلِّمْتُ رُشْدًا».

حوصله و صبر ذکر می‌نماید تا کاملاً احاطه خبری و اطلاعاتی بر همه زوایای امور پیدا کرده و شتاب‌زده داوری ننماید^۱ (کهف، ۶۸).

ب) عقل متریبی باید پرورش یابد. انسانیت آدمی به عقل است و کمال انسانیت به تکامل عقل اوست^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵). خدا، عقل پیامبران خود را کامل کرده تا بتوانند بندگان را هدایت و تربیت عقلانی کنند^۳ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۹۳). خدا دوست دارد بندگان از کمال عقلی برخوردار شوند^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۱، ص ۲۶۹). بدون پرورش و کامل شدن عقل، فرد، مؤمن واقعی نمی‌شود^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۵) و دیندار محسوب نمی‌گردد^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۸۳). بنابراین، برای هدایت‌گری مطلوب و سائق بودن عقل^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۷۴، ح ۹) و نیل به هدف‌های تربیتی، پرورش عقل ضروری است. عقل پروریده است که می‌تواند رشد را از غی تمیز دهد^۸ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۲۳) و در امور مختلف با عاقلان دیگر مشاوری کند و به رهنمودهای رشدی آنان عمل نماید^۹ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۰۲) و یا فکر و تدبیری بیندیشد که سبب رشد آدمی گردد^{۱۰} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۴۶، ۷۶۸) و با هوای نفسانی مبارزه کند^{۱۱} (همان، ص ۴۹۸) و پروردگار را اجابت نماید و با اعتقاد و باور همه‌جانبه به او، زمینه رشد نفس را فراهم سازد^{۱۲} (بقره، ۱۸۶). پرورش عقل از طریق فراگیری علم و تجربه‌اندوزی^{۱۳} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۱)،

۱. «وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا».

۲. «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ ... وَ بِالْعَقْلِ يَكْمُلُ».

۳. «وَلَا يَعْزُ اللَّهُ رَسُولًا وَلَا نَبِيًّا حَتَّىٰ يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ».

۴. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ ... وَ الْعَقْلَ الْكَامِلَ عِنْدَ نُزُولِ الشُّبُهَاتِ».

۵. «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّىٰ يَكُونَ كَامِلَ الْعَقْلِ».

۶. «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ».

۷. «الْعَقْلُ سَائِقٌ».

۸. «كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَبَانَ لَكَ رُشْدَكَ مِنْ عَيْكَ».

۹. «مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ بُرْهَانٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ، فَإِذَا أَسَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَايَاكَ وَ الْخِلَافَ؛ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَطَبَ».

۱۰. «عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ» و «لَا رُشْدَ كَالْفِكْرِ».

۱۱. «قَاتِلْ هَوَاكَ لِعَقْلِكَ تَمْلِكْ رُشْدَكَ».

۱۲. «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ».

۱۳. امام علی (ع) فرمودند: «الْعَقْلُ غَرِيْبَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ».

تفکر^۱ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۰۷)، تعلم^۲، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹) تذکر و عبرت‌آموزی^۳ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۸۳، ص ۱۰۹) و اعانت از وحی^۴ (همان، خطبه ۱)، می‌تواند انسان را در مسیر تربیت متعالی که منتهی به سعادت جاوید است، هدایت کند.

۴-۴. ادب

ادب در فارسی به مفهوم دانش، فرهنگ خوی خوش و روش پسندیده است (عمید، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۲۱). در عربی، ادب به معنی تربیت نفس و دارا شدن محاسن اخلاق است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳). ادب در روایات به تربیت اخلاق شایسته^۵ (حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵)، نیکوترین اخلاق^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۳)، کمال متریبی^۷ (همان، ص ۵۵)، دست‌یافته‌ترین شرف^۸ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۶۷، ح ۳)، برترین شرافت^۹ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۸)، ارجمندترین شرافت^{۱۰} (همان، ص ۲۱۴) توصیف شده، و مانند علم آموختنی و دارای مراتب ارزشی است^{۱۱} (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۳۵). ارزش شخص به ادب اوست^{۱۲} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۷)، و ارزشی بالاتر از آن نیست^{۱۳} (همان، ص ۳۳۰). نیاز شایسته مردم^{۱۴} (همان، ص ۲۳۷)، عامل مؤثر ترکیه اخلاقی^{۱۵} (همان،

۱. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «دَلِيلَ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ».

۲. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «أَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِعَقْلِهِ إِنْ لَمْ يُصِبْ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ».

۳. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَلْتَابًا حَاذِمَةً... وَ عِبْرًا فَاعْتَبِرْ».

۴. «وَيُتَبَّرُوا لَهُمْ دَفَائِنُ الْعُقُولِ».

۵. قال رسول الله (ص): «يَا مُعَاذُ، عَلِمْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ، وَ أَحْسِنُ أَدَبُهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ».

۶. «الْأَدَبُ أَحْسَنُ سَجِيَّةٍ».

۷. «الْأَدَبُ كِمَالُ الرَّجُلِ».

۸. «لَا حَسَبَ أَلْبَلُغِ مِنَ الْأَدَبِ».

۹. «أَفْضَلُ الشَّرَفِ الْأَدَبُ».

۱۰. «أَكْرَمُ حَسَبٍ حُسْنُ الْأَدَبِ».

۱۱. «يَا مُؤْمِنُ، إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَ الْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ، فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِمَا، فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُ فِي تَمَنِّكَ وَ قَدْرِكَ».

۱۲. «إِنَّكَ مُقَوِّمٌ بِأَدَبِكَ، فَزَيِّنْهُ بِالْحِلْمِ».

۱۳. «ثَلَاثٌ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ مُسْتَرَادٌ: حُسْنُ الْأَدَبِ، وَ مُعَانِبَةُ الرَّيْبِ، وَ الْكُفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ».

۱۴. «إِنَّ النَّاسَ إِلَى صَالِحِ الْأَدَبِ أَحْوَجُ مِنْهُمْ إِلَى الْفِضَّةِ وَ الذَّهَبِ».

۱۵. «سَبَبُ تَرْكِيبَةِ الْأَخْلَاقِ حُسْنُ الْأَدَبِ».

ص ۳۹۵)، سبب باروری عقل و تیزهوشی^۱ (همان، ص ۳۰۴)، بسترسازی برای اجتناب از ناپسندی‌ها^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۷۳) و ترک حرام^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۲)، کنترل نفس در شرایط مختلف^۴ (همان، ص ۴۲۷)، آراستگی مؤمنان^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۴، ص ۳۴۶)، ریشه آن عقل^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۱۱) و سامان یافته خرد^۷ (همان، ص ۴۱۶) است و در عین حال زیور^۸ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۳۱) و همدم عقل^۹ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۱۶) محسوب می‌شود. بنابراین، کسی که از ادب برخوردار نباشد، از بی‌عقلی اوست^{۱۰} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۱۱). ادب علما ناشی از پرورش زیاد عقل آنان است^{۱۱} (همان، ج ۱، ص ۱۴۱). ادب، تربیت شایستگی‌های صالحان^{۱۲} (همان، ج ۷۵، ص ۱۵۱)، انبیاء^{۱۳} (همان، ج ۲۲، ص ۸۷) و اخلاق پروردگار^{۱۴} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۴۰۰) در مرتبه است. بهترین مؤدب و مربی هم خدای متعال است که پیامبرش را براساس محبت^{۱۵} (همان، ج ۲، ص ۹۵) و به نیکوترین ادب آراسته است^{۱۶} (همان، ج ۱۷، ص ۴، ۷).

کاربردهای واژه ادب در متون روایی حاکی از آن است که ادب، تربیت حساب شده است که با پرورش عقلانیت، برقراری رابطه محبتی، آموزش دانش و نهادینه‌سازی آداب صالحان، اخلاق شایسته

۱. «بِالْأَدَبِ تُشْحَدُ الْفِطْنُ».
۲. «كَفَاكَ أَدَبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ».
۳. «أَحْسَنُ الْأَدَابِ مَا كَفَّفَكَ عَنِ الْمَحَارِمِ».
۴. «صَبَّطُ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَدَبِ».
۵. «زِينَتُكُمْ الْأَدَبُ».
۶. «الْأَدَبُ فِي الْإِنْسَانِ كَشَجَرَةِ أَصْلُهَا الْعَقْلُ».
۷. «صَلَاحُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ».
۸. «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ».
۹. «نِعْمَ قَرِينُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ».
۱۰. «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: لَا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ».
۱۱. «أَدَبُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةُ فِي الْعَقْلِ».
۱۲. «وَتَأْدَبُوا بِأَدَابِ الصَّالِحِينَ».
۱۳. «أَدَّبْتُمْ بِأَدَابِ الْمُرْسَلِينَ».
۱۴. «فَبَشِّرِ الْمُطِيعِينَ الْمُتَأَدِّبِينَ بِأَدَبِ اللَّهِ».
۱۵. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَّبَ نَبِيَّهُ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِ».
۱۶. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ» و «إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ (ص) فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهُ».

پیامبران، قرب به درجاتی از صفات باری تعالی و خودکنترلی از ناشایستگی‌ها، در مرتبی تحقق می‌یابد.

۴-۵. تربیت

در قرآن برخی از مشتقات واژه تربیت مانند رَبِّ^۱ (فاتحه، ۲)، ربانین^۲ (آل عمران، ۷۹)، ربانیون^۳ (مانده، ۴۴)، ربیانی^۴ (اسراء، ۲۴)، ربیون^۵ (آل عمران، ۱۴۶) به طور فراوان به کار رفته است^۶ (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ماده «رب»)^۷ و به مفهوم مربیان و متریان و مرتبط با تربیت به وصف رشد مستمر، ثابت و سوق به سمت کمال آمده است، البته بیشتر کاربرد این واژه در قرآن، کمال روحی و معنوی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، واژه «رب»).

در روایات اسلامی هم واژه تربیت به مفهوم پرورش عام آمده و در مواردی برای پرورش جسمانی و روحی بکار رفته است. به عنوان مثال در مورد تربیت کودکی و نوجوانی حضرت علی (ع) توسط رسول خدا (ص) که بیشتر مراحل تربیت وی را شخصاً برعهده داشته است^۸ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۹، ۴۳، ح ۳۸)، و یا روایتی که بیان می‌کند، علی (ع) از شش سالگی تحت تربیت پیغمبر اکرم (ص) و حضرت خدیجه (س) بود. نحوه تربیت این دو، بهتر از تربیت ابوطالب و فاطمه بنت اسد، نسبت به او بوده است^۹ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۸، ص ۲۹۵، ح ۱). روشن است که صرفاً تربیت جسمانی وی منظور نیست، بلکه بیشتر تربیت روانی و معنوی مورد توجه است. از این رو، در روایاتی تربیت، متّصف به اوصافی مانند تربیت شایسته^۹ (همان، ج ۵۶، ص ۵۷، ح ۱۳؛ ص ۶۴، ح ۶۱)، صالح^{۱۰} (همان، ج ۵۶،

۱. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۲. «كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ».

۳. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَابُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً».

۴. «وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّانِي صَغِيرًا».

۵. «وَ كَانُوا مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكْبَرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ».

۶. در مجموع، کلمه «رب» به شکل‌های گوناگون مضاف و غیرمضاف قریب ۹۸۷ مرتبه در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ماده «رب»).

۷. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ يَلِي أَكْثَرَ تَرْبِيَّتِهِ».

۸. «فَرَبَّتُهُ خَدِيجَةٌ وَ الْمُصْطَفَى إِلَى أَنْ جَاءَ الْإِسْلَامُ وَ تَرْبِيَّتُهُمَا أَحْسَنُ مِنْ تَرْبِيَّةِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ».

۹. «وَ الْمَوْلُودُ فِيهِ يَكُونُ صَالِحَ التَّرْبِيَّةِ».

۱۰. «مَنْ وُلِدَ فِيهِ عَاشَ طَوِيلًا وَ صَلَحَتْ حَالُهُ وَ تَرْبِيَّتُهُ».

ص ۷۱، ح ۹۸)، تربیت مهربانانه بچه توسط مادر^۱ (همان، ج ۸۹، ص ۲۴۸، ح ۴۸)، تربیت حسن و نیکو (همان، ج ۵۶، ص ۷۳، ح ۱۱۱؛ ص ۷۹، ح ۱۵۰)، تربیت نیکوی محبتی^۴ (همان، ج ۹۴، ص ۲۷۴، ح ۶)، تربیت لطیفانه^۵ (همان، ج ۸۳، ص ۵۳، ح ۵۸) شده است. به ویژه تربیت مدیرانه مهربانانه مادر نسبت به فرزند که منشأ خدادادی و فطری دارد^۶ (همان، ج ۳، ص ۹۳، ح ۲۲). حتی پیامبر خدا(ص) در دوران کودکی، از آن توسط فاطمه بنت اسد^۷ (همان، ج ۴۰، ص ۱۰۳، ح ۱۱۷) برخوردار شده است. امام سجاده(ع) ضمن اینکه به خدا عرضه می‌دارد که تو مرا به طور متعادل خلق کردی و در زمان خردسالی تربیت و بزرگم نمودی^۸ (صحیفه سجاده، دعای ۵۰)، خدا را بخاطر اینکه تربیت والدین را نصیب وی کرده است، شکر می‌کند^۹ (همان، دعای ۲۴) و از خدا می‌خواهد که به وی کمک نماید تا در تربیت، تأدیب و احسان به اولاد خود موفق شود^{۱۰} (همان، دعای ۲۵). همچنین در روایات با توجه به شرایط مربی و متربی، تربیت، به تربیت آسان^{۱۱} (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۶، ص ۶۵، ح ۶۳)، سبک^{۱۲} (همان، ص ۸۶، ح ۱۹۱)، تربیت سخت^{۱۳} (همان، ج ۵۶، ص ۸۹، ح ۲۱۱) و ناگوار^{۱۴} (همان، ص ۸۳، ح ۱۷۴) متّصف گردیده است. توصیفاتى که از تربیت در متون روایی آمده، حاکی از آن است که تربیت فرایندی زمینه‌ساز و تدبیری حساب شده محبتی و شایسته است که منشاء فطری دارد و در جهت اهداف عالی تربیتی که انبیاء و اولیای الهی به آنها متّصف شده‌اند، مراتب رشد و تحول کمالی شایسته تحقق می‌یابد.

۱. «وَرَقَّقَهَا عَلَيْهِ لِتَقْوَمَ بِتَرْبِيَّتِهِ».

۲. «مَنْ وُلِدَ فِيهِ كَانَ حَسَنَ التَّرْبِيَةِ».

۳. «حَسَنَ التَّرْبِيَةِ فِي كُلِّ حَالَةٍ».

۴. «مَنْ وُلِدَ فِيهِ يَكُونُ ... مَحْبُوبًا حَسَنَ التَّرْبِيَةِ».

۵. «اللَّهُمَّ ... بِتَرْبِيَّتِكَ اللَّطِيفَةِ وَ شَرَفِكَ».

۶. «مَا عِنْدَ أُمَّهَاتِ الْبَشَرِ مِنَ الرَّفْقِ وَ الْعِلْمِ بِالتَّرْبِيَةِ».

۷. «ذَكَرَ حُسْنَ صَنِيعِهَا بِهِ وَ تَرْبِيَّتَهَا لَهُ وَ هُوَ عِنْدَ عَمِّ أَبِي طَالِبٍ».

۸. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا، وَ رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا».

۹. «اللَّهُمَّ اشْكُرْ لِهَمَّا تَرْبِيَّتِي».

۱۰. «وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ».

۱۱. «وَ الْمُؤَلُّودُ فِيهِ يَكُونُ هَيِّنَ التَّرْبِيَةِ».

۱۲. «خَفِيفَ التَّرْبِيَةِ».

۱۳. «وَ تَعَسَّرَ تَرْبِيَّتُهُ».

۱۴. «فَقِيلَ التَّرْبِيَةِ».

۵. ویژگی‌های تربیت متعالی

با توجه به کاربرد مفاهیم تربیتی چون هدایت، ادب، تربیت، رشد در قرآن و روایات، تربیت آن هنگام متعالی است که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد.

الف) تربیت متعالی خاستگاه فطرت است

طبیعت و سرشت انسانی حکایت از ویژگی‌ها و خصوصیات می‌کند که یک انسان به طور طبیعی و فطری دارا بوده و منشأ تعلیم و تربیت است (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۶۶) و بستر را برای حرکت ارادی فرد به کمالی فراهم می‌سازد که در خلقت او نهاده شده است (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۸). در حقیقت، انگیزه‌های فطری انسان، منشأ پدید آمدن انتخاب تربیت شایسته (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۶۶) و متعالی است. همان فطرتی که به تعبیر علامه مصباح، سرچشمه خواست‌های متعالی و آرمان‌های والای انسانی^۱ است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰-۱۵۱). بنابراین، تربیتی متّصف به متعالی بودن است که هماهنگ با فطرت والای انسانی است. مدلول آیه مبارکه فطرت «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم، ۳۰) هم این است که دین و آموزه‌های دینی، تماماً از فطرت سرچشمه گرفته است و محتوای مکتب الهی اسلام، از اعتقادات، بایدها و ارزش‌ها و نبایدها و ضد ارزش‌ها، و رفتارهای دینی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۹۴) و تعلیم و تربیت اسلامی، واقعاً با فطرت انسانی هماهنگ است و خدا بشر را موظف ساخته تا تربیتی هماهنگ با فطرت انسانی داشته باشد.

ب) تربیت متعالی و رابطه آن با سلامت روانی و سعادت

از دیدگاه اسلامی، تعلیم و تربیتی موفق و متعالی است که مبتنی بر دانش سلامت روان باشد و همه ابعاد روان‌شناختی، عاطفی و عملکردی آدمی را پرورش دهد و بستر را برای رشد سلامت روانی همه‌جانبه تربیتی فراهم سازد، یعنی علاوه بر حفظ سلامت روانی طبیعی متربی، در جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری آن ارتقاء ایجاد کند تا در مسیر حرکت به سوی هدف‌های ارزشمند الهی، نه تنها توقف و یا انحراف پیدا نکند، بلکه مسیر تعالی روانی را تا رسیدن به سعادت و خوشبختی در زندگی جاوید ادامه دهد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

از این‌رو در نگرش اسلامی، دانش سلامت روان نسبت به دانش‌های دیگر، به عنوان برترین دانش‌ها

۱. از قبیل: شخصیت‌طلبی، استقلال‌جویی، میل به بقا، میل به خدا و حس مذهبی، حق‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیباطلبی و مانند آن

مطرح شده است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۶۴). آمده است که هیچ چیزی از نظر ارزش، معادل سلامتی نیست^۲ (همان، ج ۶۷، ص ۳۱۱). همچنین خواسته شده در هر شرایط و موقعیتی باید برای سلامتی (در افکار، گرایش‌ها و رفتارها) کوشش نمود^۳ (همان، ج ۷۲، ص ۴۰۰). بنابراین، تربیت متعالی موجب سلامت روانی می‌شود که سعادت متری را بدنبال دارد. از بهترین مصادیق تربیت متعالی، هدایت و تربیت رسول اکرم (ص) است که به سعادت متری منتهی می‌شود و هیچ‌گونه گمراهی و شقاوتی در آن نیست^۴ (طه، ۱۲۳). سعادت‌تی که فطرت و نحوه خلقت طبیعی آدمی خواهان آن است (نراقی، بی تا، ج ۱، ص ۷۸) و منتهی به اتصاف به صفات حسناى الهی و کمال مطلق (امام خمینی، بی تا، ص ۱۵۵) در فرد می‌گردد (فقیهی، ۱۴۰۱، ص ۱۶۶).

نکته قابل توجه این است که در فرایند تعلیم و تربیت اسلامی، بر آخرت‌بینی که تأثیر فراوانی در عملکرد شایسته انسان دارد، تأکید شده است. در قرآن، حدود ۱۴۰ بار از مسأله معاد و خصوصیات آن سخن به میان آمده و بیش از یک ششم آیات قرآن، انسان‌ها را به زندگی اخروی، توجه می‌دهد و می‌خواهد که خودشان را برای زندگی سعادت‌مندانه تربیت کنند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۹۷). توجه به آخرت، همواره در برنامه‌های تربیتی رسولان الهی قرار داشته و خداوند مریانی مانند ابراهیم، اسحاق و یعقوب را به دلیل توجه خالصانه به عالم آخرت ستوده است^۵ (ص، ۴۵-۴۷).

ج) تربیت متعالی کرامت‌آفرین است

موضوع کرامت انسانی و نقش آن در زندگی سعادت‌مندانه افراد بسیار با اهمیت است. از این‌رو در فقه برای استنباط برخی از احکام، مورد توجه بوده (فروغی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۲) و حتی به‌عنوان قاعده‌ای برای حل مسائل جدید فقهی مطرح شده است.^۶ روشن است که تربیت هم باید کرامتی باشد؛ زیرا انسانی که فطرتش بر کرامت^۷ (اسراء، ۷۰) استوار شده و مرییان الهی‌اش

۱. «وَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ».

۲. «الْمُؤْمِنُ... قَلْبُهُ خَاشِعٌ وَلَا يَغْدُلُ بِالسَّلَامَةِ شَيْئاً».

۳. «اطْلُبِ السَّلَامَةَ أَيَّمَا كُنْتَ وَفِي أَيِّ حَالٍ كُنْتَ».

۴. «فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَسْتَقِي».

۵. «وَادْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِي الدَّارِ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ وَادْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ».

۶. مصاحبه با آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، پرتال امام خمینی، ۲۷ خرداد ۱۳۹۶، <http://www.imam-khomeini.ir>

۷. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...».

متّصف به کریم‌اند^۱ و در کتاب‌هایشان برنامه‌های تربیتی را به عنوان صحف مکرمه ارائه نموده‌اند،^۲ تربیتش به رشد و تعالی کرامتی و عزتمندی منتهی می‌گردد. تربیت متعالی از کرامت ذاتی انسانی نشأت می‌گیرد و موجبات کرامت اختیاری ارزشی متری را در مراتب رشد شناختی، عملی و اخلاقی فراهم می‌سازد.

الف) کرامت شناختی

در آموزه‌های اسلامی تأکید بر آن است که متری باید تمام کوشش خود را بکار گیرد تا به کرامت شناخت اولیای دین دست یابد و از خدا بخواهد که وی را در این زمینه یاری نموده و بگوید: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ»،^۳ و هنگامی که به شناخت تفقهی دین و مسیر هدایتی قرآن، نبوت و اهل بیت (ع) دست می‌یابد و در مسیر تربیت متعالی و مطلوب قرار می‌گیرد، به سپاس و شکر خدا بپردازد و به مانند امام حسین (ع) در شب عاشورا بگوید: «اللهم إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ وَ عَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَ فَهَّمْتَنَا فِي الدِّينِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۹۳).

ب) کرامت عملی تقوایی

بعد از شناخت هدایت‌گران و مربیان واقعی، متری باید مطابق رهنمودهای آنان در زمینه فعالیت‌های کرامتی رفتار کند تا شخصیت کرامتی خویش را ارتقاء ببخشد. خداوند درجات شخصیت کرامتی افراد را به درجات تقوای آنان در عمل مرتبط دانسته و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳).

ج) کرامت اخلاقی شریفانه

امام علی (ع) می‌فرماید: «مِنْ أَشْرَفِ [أَفْعَالِ] أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ»، یکی از با ارزش‌ترین کارهای کریمان، تغافل از چیزهایی است که از آن آگاه هستند، و سرپوش گذاشتن بر آن لازم است. در تعبیر دیگر از آن حضرت آمده است: «أَشْرَفُ خِصَالِ الْكَرَمِ غَفْلَتُكَ عَمَّا تَعْلَمُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۲۲۲).

همچنین امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «وَعَظْمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَاوُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ ... وَلَا تَكُونُوا

۱. «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ».

۲. «فِي صُحُفٍ مُكْرَمَةٍ».

۳. فرازی از زیارت عاشورا.

بَحَّائِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ، فَيَكْثُرُ عَائِبُكُمْ ... وَتَكْزَمُوا بِالْتَّعَامِي عَنِ الْأَسْتِقْصَاءِ»، «قدر و منزلت خود را با «تغافل» درباره امور پست و کوچک بالا برید ... و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است، تجسس نکنید که عیب‌جویان شما زیاد می‌شوند ... و با چشم برهم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۶۴، ح ۱۵۷).

د) تربیت متعالی و فعالیت عقل در سه بُعد شناختی، عاطفی و عملکردی

در تربیت متعالی همه ابعاد وجودی عقل با هم و به صورت نظام‌مند، پرورش می‌یابند. این موضوع مبتنی بر رویکرد ابتکاری اهل بیت (ع) در زمینه عقل است. در روایات اهل بیت (ع) درباره چیستی عقل و توانمندی‌های آن، به سه جنبه شناختی، عاطفی و عملکردی پرداخته شده است که باید همه با هم، پرورش یابند (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۱). در این روایات علاوه بر توجه به جنبه شناختی و عملی عقل^۱ (تیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۳)، به جنبه عاطفی عقل پرداخته شده و عاطفه در اصل تکوین عقل، اعطای خدا به عقل معرفی شده است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲)، و در حدیث مشهور جنود عقل و جهل، ۶۷ صفت عاطفی، به عنوان جنود عقل، مطرح گردیده است (همان). در بسیاری از روایات، عقل، سرچشمه صفاتی مانند حب و مودت^۳ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۳)، رحمت، رأفت، رفق^۴ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۷) و دیگر امیال عاطفی ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۷) که بیشترین تأثیر را در کمال عقل دارد؛ زیرا با تقویت عواطف انسانی، عقل کمالی پیدا می‌کند که از حق پیروی می‌نماید^۵ (همان، ج ۷۸، ص ۱۲۷، ح ۱۱) و بر هر تمایل بد و هوای نفسانی چیره می‌گردد^۶ (همان، ص ۶، ح ۵۸) و جز مسیر واقعی منتهی به سعادت را نمی‌رود. برای تحقق تربیت متعالی لازم است به پرورش عقل، در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی، به صورت نظام‌مند پرداخته شود و عقل متربی، در همه آن ابعاد و مرتبط با هم پرورش یابد تا دستیابی به تمام اهداف انسانی میسر گردد.

۱. امیرالمؤمنین (ع): «الْعُقْلُ أَنْ تَقُولَ مَا تَعْرِفُ وَ تَعْمَلَ بِمَا تَنْطِقُ بِهِ».

۲. امام صادق (ع) فرمودند: «فمما اعطى العقل ... التَّعَطُّفُ ...».

۳. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «رَأْسُ الْعُقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ» و نیز فرمودند: «التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعُقْلِ».

۴. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعُقْلَ مِنْ نُورٍ ... وَ الرَّأْفَةَ هَمَّةً وَ الرَّحْمَةَ قَلْبَهُ».

۵. «لَا يَكْمُلُ الْعُقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ».

۶. «الْعُقْلُ الْكَامِلُ فَاهِرُ الطَّبَعِ السَّوِّءِ».

۶. نتیجه‌گیری

اسلام دین جامعی بوده و در حیطه تعلیم و تربیت، مبانی، اهداف و اصول منظمی را تبیین کرده است که اجرائی ساختن آن، در هر مرحله از فرایند تربیتی، زمینه تحقق تربیت متعالی انسان را فراهم می‌سازد. تربیت متعالی، تربیتی است که مبتنی بر فطرت الهی، بستر رشدی و کمالی متربی را فراهم می‌سازد و نیل به مراتب خلافت الهی خدای متعال (بقره، ۳۰) را برای انسان تسهیل می‌کند. تربیت متعالی، در آیات و روایات، با واژه‌های تربیتی تزکیه و تعلیم، هدایت، رشد، ادب و تربیت، توصیف و تبیین شده است. در تمام این واژه‌ها، علاوه بر آموزش و تعلیم مسیر تربیتی، از مبانی تا اهداف بلند سعادت، ویژگی‌های خاصی مطرح شده که خصوصیات تربیت متعالی را توصیف و توضیح می‌دهد. واژه تزکیه حاکی از دو ویژگی است. اولاً، بر لزوم پاکسازی مسیر روانی متربی از هر نوع آلودگی‌های فکری، عاطفی و عملکردی، تأکید دارد. ثانیاً، درجاتی بودن حرکت تربیتی را نشان می‌دهد و از متربی می‌خواهد در هیچ مرحله‌ای از فرایند تربیت، متوقف نشود و رشد مستمر را دنبال کند.

محتوایی که با واژه هدایت در آیات و روایات آمده، حاکی از آن است که صراط مستقیم تربیت باید برای متربی کاملاً روشن گردد تا به پروردگار و مسیر سعادت او باور داشته، آن را برترین هدایت‌های تکاملی بداند و وی را از تمایل به بدعت‌های جاهلانه و هواهای نفسانی خود و نابخردان و منحرفان، بازدارد و براساس رهنمودهای عقلی و وحیانی در آیات قرآنی و روایات اسلامی، با توکل بر خدا و یقین و صبر، راه حق را ببیماید تا به رضوان ابدی دست یابد.

واژه رشد که در آیات و روایات، بیشتر با واژه هدایت مطرح شده است، بر درستی راه، خیر و صلاح متربی دلالت دارد و زمینه رشد روانی او را به صورت همه‌جانبه، فراهم می‌سازد و عقل وی را می‌پروراند و علم و تجربه او را افزایش می‌دهد و مانع از آن خواهد شد که دچار غی و گمراهی گردد.

ادب در روایات بیشتر در زمینه تعالی اخلاقی بکار رفته و حاکی از آن است که پرورش عقلانیت متربی، رابطه عاطفی مری با متربی و تبیین شایستگی‌های صالحان، مسیر متربی را برای سیر در راه قرب الی‌الله و نیل به درجاتی از کمالات حقیقی خداوند، هموار می‌سازد.

واژه‌های مرتبط با تربیت و از ریشه ربّ، زیاد در قرآن بکار رفته و بیشتر در مورد مریبان الهی و متربیان آنان است که با تربیت ثابت و مستمر کمالات روحی و معنوی توصیف شده است. در روایات، با واژه تربیت بر پرورش هماهنگ روحی و جسمانی تأکید می‌شود. تربیتی که متّصف به تدبیرهای شایسته و صالح‌پرور، اقدامات محبتی و نیکو که هماهنگ با فطرت است و زمینه تحول سعادت‌مندان را در متربی فراهم می‌سازد.

با توجه به کاربرد پنج دسته از واژه‌های تربیتی، تربیت متعالی از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

- ♦ با شناخت‌ها و امیال فطری هماهنگ است.
- ♦ کرامت و عزت انسانی را پرورش می‌دهد.
- ♦ عقل را در سه جنبه شناختی، عاطفی و عملکردی بارور می‌سازد.
- ♦ زمینه حفظ و ارتقای سلامت روانی متربی را فراهم می‌کند.
- ♦ زندگی سعادت‌مندانه را برای افراد و جامعه تضمین می‌نماید.

- منابع -

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

صحیفه سجادیه.

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة*. قم: دار سیدالشهداء للنشر، ج ۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *خصال*. قم: جامعه مدرسین، ج ۲.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تهران: نشر جهان، ج ۲.
- ابن فارس، احمد (۱۴۱۰ق). *معجم مقاییس اللغة*. بیروت: الدار الإسلامیه، ج ۲.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ج ۱.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه، ج ۱.
- بخشیان، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *تعالی معنوی انسان در قرآن*. قم: زمزم هدایت.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱-۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- حرّانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البيت (ع)، ج ۱۵.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۴). *صحیفه امام*. تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۴.
- خمینی، سید روح الله (بی تا). *آداب الصلاة*. تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دلاور، علی (۱۳۸۵). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: رشد.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷). *سیری در تربیت اسلامی*. تهران: ذکر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- سیاح، احمد (۱۳۷۱). *فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی - فارسی مصور*. تهران: اسلام، ج ۲.
- سیامک دستجردی، مریم (۱۳۸۸). *تهذیب و تربیت قرآنی در سیره معصومین*. کوثر، شماره ۲۸.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۵). *روان شناسی تربیتی*. تهران: امیرکبیر، چاپ نهم.
- طباطبایی، مصطفی (۱۳۵۴). *فرهنگ نوین، عربی - فارسی*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین، ج ۱۳-۱۴.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف: مکتبه الحیدریه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۱.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ق). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. قاهره: مطبعة دارالکتب المصریة.
- عمید، حسن (۱۳۶۵). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر، ج ۱-۲.

- فایضی، علی؛ آشتیانی، محسن (۱۳۷۷). *مبانی تربیت و اخلاق اسلامی*. قم: روحانی.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فروغی نیا، حسین؛ ملک، سحر؛ حسینی، فائزه السادات (۱۳۹۸). نگرشی به مفهوم کرامت انسانی در پرتو اندیشه‌های فقهی اسلامی. *پژوهش‌های حقوقی قانون یار*، ۲(۵)، ص ۱۱۳-۱۴۰.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۸۹). *افسردگی*. انتشارات سما قلم.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۹۱). *بهداشت و سلامت روان در آینه علم و دین*. قم: حیات سبز.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۹۶). *نگرش اسلامی به تربیت و سبک زندگی خانوادگی*. قم: ابوالحسنی.
- فقیهی، علی نقی (۱۴۰۱). پرورش فطرت زمینه‌ساز سلامت روانی منتهی به سعادت، برگرفته از قرآن کریم و روایات اهل البیت (ع). *قرآن و روانشناسی*، شماره ۱، ص ۱۵۷-۱۷۵.
- فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۲). بررسی عوامل تربیتی و روانشناختی مؤثر بر دینداری دانشجویان: برداشتی از احادیث. *پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۴(۲)، ص ۱۳۲-۱۱۵.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۰۲ق). *المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر*. قم: مؤسسه دارالهجرة، ج ۱-۲.
- قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۴-۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱، ۵-۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۶۹، ۳۸-۳۹، ۶۱، ۴-۱، ۷۴-۷۵، ۷۲، ۶۶-۶۷، ۳۵-۳۴، ۲۲، ۱۷، ۵۶، ۸۹، ۸۳، ۴۰، ۴۴، ۷۷-۷۸، ۲۶.
- مجمع اللغة العربیه (۱۳۶۳). *معجم الفاظ القرآن الکریم*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ دوم، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *انسان‌شناسی در قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۴، ۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۲۷.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: بیدار، ج ۷.
- نراقی، محمد مهدی (بی‌تا). *جامع السعادت نراقی*. بیروت: اعلمی، ج ۱.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸). *انسان از دیدگاه اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
- هاشمیان، احمد (۱۳۸۴). *اصول و مبانی روان‌شناسی تربیتی*. تهران: تندیس.

المؤشرات التربوية السامية المستمدة من الآيات والأحاديث الإسلامية

على النقى الفقيهى

معبد فى كلية العلوم التربوية، جامعة قم، قم، ايران. an-faghihi@qom.ac.ir

الخلاصة

أخذت المقالة والدراسة التي بين أيدينا مسؤولية دراسة المؤشرات والمعايير المتعالية والسامية والتي يمكن إستخلاصها وإستنتاجها من الآيات القرآنية الشريفة والروايات الإسلامية، وهذا البحث هو من البحوث الوثائقية والنوعية وتم كتابته بالإسلوب الوصفي- التحليلي وتم فيه تناول دراسة المفاهيم والأدبيات التي جرى إستخدامها فى التعليم التربوية للقرآن الكريم والروايات الواردة على لسان أهل البيت(ع) وذلك فى مجال التربية والهداية والتعايير ذات الصلة فى ذلك. وبيان وإظهار الصفات والخصائص التي تتضمنها التربية المتعالية والسامية. والنتائج التي خرج منها هي إن التربية المتعالية هي تربية تستند على الفطرة الإلهية والتي من شأنها توطأ أرضية نمو وتكامل المتربي وتعمل على تسهيل نيل مراتب الخلافة الربانية لله تعالى للإنسان، وقد تم فى الآيات والروايات بيان ووصف التربية المتعالية بمصطلحات تربوية مثل التزكية والتعليم، الهداية، النمو والرشد، الادب والتربية. ووفقاً لهذه المفاهيم فإن التعليم يكون سامياً عندما يكون أصله نابع من الفطرة السليمة، وله خصائص مثل السير الرشدي، وخلق الكرامة، وشمول جميع المناحي الإنسانية، والحفاظ على الصحة النفسية وتحسينها، والهداية إلى الصراط المستقيم من دون إنحراف وينتهي إلى السعادة الأبدية.

المصطلحات المحورية: التربية المتعالية والسامية، النمو، التزكية، الهداية، التعليم والتربية، الادب.

The Indices of Achieving Excellence in Education, Derived from Islamic Verses and Hadiths¹

Ali Naghi Faghihi

Associate Professor, Faculty of Educational Sciences, University of Qom, Qom, Iran.
an-faghihi@qom.ac.ir

Abstract

The present study aimed to explore the criteria for achieving excellence in education derived from Islamic verses and Hadiths. This research involves document analysis and qualitative research methods, using a descriptive-analytical approach to scrutinize the concepts and literature of the educational principles in the Holy Quran and the Hadiths of the Ahl al-Bayt(AS) in the field of education and guidance. It also aims to elucidate the characteristics of achieving excellence in education. The findings suggest that attaining excellence in education is underpinned by divine nature and provides a means for the educator's growth and perfection towards the ultimate goal of divine sovereignty for human beings. Attaining excellence in education is described in the verses and narrations using terms such as purification, guidance, growth, discipline, education, and nurturing. According to these concepts, education is deemed excellent when it is grounded in human nature and possesses attributes such as developmental progress, honouring human beings, encompassing all aspects of humanity, preserving and elevating mental health, guiding towards a straight path without deviation, and ultimately leading to eternal happiness.

Keywords: Excellence in Education, Growth, Purification, Guidance, Education and Training, Discipline.

1. **Received:** 2022/11/08 ; **Revision:** 2022/12/28 ; **Accepted:** 2022/12/31 ; **Published online:** 2023/01/05

© the authors

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries

